

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال پانزدهم
شماره ۱۷۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ - مه ۲۰۱۴

بیانیه وحدت

رفقا، کمونیستها، کارگران، زحمتکشان و هموطنان گرامی!

ما در طی بیانیه زیر وحدت "حزب کار ایران(توفان)" و "تشکل مارکسیستی لنینیستی توفان و راه آینده" را به اطلاع همه مارکسیست لنینیستها، طبقه کارگر و مردم ایران می‌رسانیم. هر دو تشکل بر سر نکات زیرین پس از بحث و تبادل نظر لازم، به توافق دست یافتند که آنرا برای تجربه اندوزی و بمنزله سرمشق مثبتی برای هواداران راه آزادی طبقه کارگر، برای همه کسانی که دل در گرو برافکندن ستم طبقاتی و بهره‌کشی انسان از انسان دارند، منتشر می‌کنند. باشد که این اقدام مشترک ما الهام بخش کمونیست‌هایی باشد که به کمونیسم عشق می‌ورزند و آنرا آرمان رهایی بشریت می‌دانند.

"حزب کار ایران(توفان)" و "تشکل مارکسیستی لنینیستی توفان و راه آینده" توانستند در فعالیت و تحولات تاریخی خویش در طی سی و پنج سال اخیر، با طی راه‌های جداگانه مبارزه برای نیل به هدف واحد، به تجارب گوناگون مثبت و منفی دست یافته و سر انجام با آموزش از این تجارب، برای مبارزه مشترک در کنار هم قرار گیرند و بر اساس برنامه و اساسنامه حزب کار ایران(توفان)، به مثابه حزب واحد طبقه کارگر ایران به وحدت در عرصه‌های ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی نایل آیند.

هر دو تشکل در طی سالهای طولانی فعالیت، با مطالعه اسناد و ارگانهای سیاسی تشکل دیگر به این نتیجه رسیده‌اند، که هر دو تشکل و نگاهشان نسبت به رویدادها و پدیده‌های اطرافشان ... ادامه در صفحه ۲

نقض مستمر و تروریستی حقوق بین الملل توسط امپریالیست آمریکا به بهانه مبارزه با "تروریسم"

انتخاب آقای حمید ابوطالبی از جانب دولت ایران به منزله نماینده ایران در سازمان ملل متحد، مورد بروز بحران میان ایران و دولت ایالات متحده آمریکا و نارضائی و هراس بسیاری از ممالک جهان شد.

آقای حمید ابوطالبی یکی از دانشجویان پیرو خط امام بود که در بدو انقلاب پس از تسخیر سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹، ۵۲ آمریکایی را به مدت ۴۴۴ روز در گروگان نگاه داشت. دولت آمریکا آقای حمید ابوطالبی را که در گروگان گیری اعضاء سفارت آمریکا در ایران دست داشته است تروریست می‌داند. مطبوعات گزارش دادند که: مجلس نمایندگان آمریکا روز پنجشنبه به اتفاق آرا طرح قانونی ممنوعیت ورود نماینده جدید جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل را به آمریکا تصویب کرد. سه روز پیش تر، ممنوعیت ورود حمید ابوطالبی به آمریکا در سنای این کشور به تصویب رسیده بود.

به موجب این قانون که برای اجرایی شدن به امضای رئیس جمهور آمریکا آقای اوباما نیاز دارد، کسانی که به عنوان نماینده کشورها در سازمان ملل تعیین می‌شوند در صورتی که در عملیات گروگان گیری علیه آمریکا شرکت داشته باشند از ورود به خاک آمریکا منع می‌شوند.

در توجیه این اقدام آمریکا، دویچه وله مربوط به خبرگزاری آلمان، اعلام کرد که: به نوشته روزنامه بریتانیایی تلگراف حمید ابوطالبی، نماینده ایران در سازمان ملل، سال ۱۹۹۳ به هنگام تصدی سفارت ایران در ایتالیا در ماجرای قتل یکی از مخالفان جمهوری اسلامی به نام محمد حسین نقدی نیز "نقشی کلیدی" داشته است.

سایت روزنامه بریتانیایی "تلگراف" در این باره می‌نویسد: "اسناد دادگاه از جمله رونوشت گفتگوهایی که پلیس ایتالیا در خلال تحقیقات خود درباره مرگ محمد حسین نقدی انجام داده است، اتهام وارده به ابوطالبی را اثبات ... ادامه در صفحه ۲

دخالت امپریالیستهای غرب در امور داخلی اوکراین، عامل بی ثباتی در اروپاست

رویدادهای اوکراین هنوز داغ است و برای تجربه اندوزی بسیار با ارزش خواهد بود.

در میان اپوزیسیون ایران که به سبک ژورنالیستی اظهار نظر، برای فرار از موضعگیری مارکسیستی لنینیستی خو گرفته است، رویدادهای اوکراین همان بازگویی تبلیغاتی است که به ویژه ماشین عظیم تبلیغاتی غرب راه انداخته است. در این اظهار نظرات "علمی"، وابسته به اینکه سخنگویان این اپوزیسیون از کدام گوشه بیایند، یک کمی چاشنی "مارکسیسم ناب" نیز با ترشی ضد روسی و "حقوق بشر" آمریکا- اروپائی و سرانجام اظهار فضل "تاریخی" آمیخته شده است. برای اپوزیسیون دست راستی ایران، نمایندگان مافیای در خارج از قدرت، نظیر زندانی تبهکار فراری، خانم یولیا تیموشنکو (Julija Timoschenk)، مامور آلمانها آقای ویتالی کلیچکو (vitali klitschko) و دارو دسته های بزن بهادر نازی، نمایندگان دموکراسی و مباشران آزادی و صدای اپوزیسیون ناراضی از فساد الیگارشوی اوکراین هستند. بزعم آنها ویکتور یانوکوویچ (Wiktor Janukowitsch) فاسد و مستبد بوده و خانم مستبد و تبهکاری نظیر تیموشنکو دموکرات و پرچمدار مبارزه با فساد است. این تصویری است که غرب غارتگر برای انداختن یوغ اسارت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به گردن مردم اوکراین ترسیم می‌کند.

سبک ژورنالیستی نگارش، در واقع تنها بیان رویدادها و بازگویی موضعگیریهای علنی دو طرف دعوا و باقی ماندن در سطح، برای پخش خبر است. در این سبک به عمق رویدادها نمی‌روند و رهنمودی هم برای جنبش کمونیستی و نیروهای مترقی ندارند. در این سبک ژورنالیستی که مودیان با "بی طرفی" نوشته می‌شود، به اصل مهم نه سیخ بسوزد و نه کباب توجه کافی مبذول می‌شود تا "واقع بینی" تحلیلگران مورد تردید قرار نگیرد و بازارشان گرم باشد.

اینکه روسیه امپریالیستی می‌خواهد به دوران اقتدار قبلی خویش برگردد و یا اینکه اروپا و آمریکا در اوکراین منافع دارند، "غیب گوئی" نیست، تکرار خسته کننده مکررات است. ایران هم در این میان منافع دارد. عربستان سعودی و قطر هم منافع دارند. یک مقاله را می‌شود با این پرگوئی های بی ... ادامه در صفحه ۳

به حزب کار ایران(توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

و آقای ابوطالبی تنها پیچی از کل این ماشین است. مگر احمدی نژاد تروریست نیست و نبود؟ مگر روحانی و رفسنجانی تروریست نبوده و نیستند؟ وقتی کنگره آمریکا حمید ابوطالبی را تروریست می خواند، عملاً سایر تروریستهای حاکم در قدرت، در ایران را تیرنه می کند. اعلام این نظر به نوعی حتی آب تظہیر ریختن بر سر جنایت‌های جمهوری اسلامی است.

ولی ساده انگاری است اگر ارزیابی خویش را در همین حد محدود نگهداریم و متوجه نشویم که حمله به جمهوری اسلامی که مورد نفرت عمومی است، در واقع ابزاری شده است تا جنایت‌های بزرگ دیگری را که امپریالیست آمریکا در دنیا انجام داده و یا در شرف انجام آن در آینده نزدیک است، توجیه شود و یا بر آن سرپوش گذارده گردد.

درباره حقانیت و قانونی بودن اقدام آمریکا برای استتکاف از اجازه ورود به حمید ابوطالبی به نیویورک، باید گفت که این تصمیم آمریکا در تضاد روشن با تعهدات بین‌المللی این کشور قرار دارد. آمریکا به عنوان میزبان سازمان ملل باید به تعهدات بین‌المللی خویش پایبند باشد و حق ندارد حساب نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل را با حساب دیپلمات‌های خارجی که قصد ورود به ایالات متحده آمریکا را دارند یک کیسه کند. آمریکا می تواند در مورد اعضاء کادر دیپلماتیکی که برای سفارت ایران در آمریکا در نظر گرفته می شوند، شرط و شروط قابل شود و آنها را عنصر نامطلوب دانسته، استوار نامه آنها را نپذیرد، ولی حق ندارد به بهانه "تروریست" خواندن و یا تروریست بودن نماینده رسمی یک کشور صرفنظر از اینکه چگونه حکومتی در این کشور بر مسند قدرت است از ورود نماینده رسمی آن کشور به مجمع عمومی سازمان ملل متحد که مرجعی بالاتر از کنگره آمریکا است ممانعت کند و حق ندارد به علت تعهداتش که شرط استقرار سازمان ملل متحد در نیویورک است اجازه ورود و یا خروج صادر کند و در تصمیمات مجمع عمومی با ایجاد یک اکثریت مصنوعی و مکانیکی مورد توافق آمریکا با گزینش ممالک خودی، اعمال نفوذ نماید.

امپریالیسم آمریکا با این کارش در حقیقت سرنوشت مجمع عمومی سازمان ملل و ترکیب آراء آن را در دست خود گرفته و می تواند به این سازمان با تهدید و فشار کنگره ملی خود، امر و نهی کند. آمریکا در واقع مصوبات کنگره خود را به همه جهان تسری می دهد و می گوید همه ممالک دنیا باید تابع تصمیمات آمریکا باشند. آمریکا می گوید که تعهدات بین‌المللی آمریکا فاقد ارزش بوده و اعتبار آنها وابسته به ترکیب کنگره آمریکا در هر چند سال یکبار و یا به خلق و خوی ریاست جمهوری آمریکا بر اساس مصالح سیاسی روز آنها بستگی دارد.

تصمیم دولت آمریکا غیر قانونی و ضد تعهدات بین‌المللی است و نتایج ناگواری برای صلح جهان، تقاهم بین‌المللی و سرنوشت سازمان ملل متحد در آینده دارد. روزی

...ادامه در صفحه ۳

کارگر در قالب "کارگر پرستی" است. تنها این سیاست است که به پراکندگی و روحیات فرار از انضباط، مسحور منش فرد پرستی بودن، نقطه پایانی می گذارد. مبارزه با پراکندگی باید با برافراشتن پرچم حزبی و نشان دادن راه وحدت از طریق عامل آگاه طبقه کارگر، برای نیل به وحدت و تقویت حزب طبقه کارگر صورت گیرد. تنها این مبارزه، یعنی مبارزه ای با برنامه، آگاهانه، روشن، سنجیده، هدفمند و با احساس مسئولیت کمونیستی راه درمان پایان بخشی به پراکندگی حاکم است.

حزب طبقه کارگر ایران نه تنها باید مظهر استحکام ایدئولوژیک و استقلال سیاسی این طبقه باشد، بلکه باید با مبارزه خویش بر ضد تفکرات تفرقه افکنانه خرده بورژوازی و بورژوازی، به وحدت سازمانی طبقه کارگر سر و سامان داده و نفس وجود و فعالیتش شرط ضروری برای پایان دادن به پراکندگی است و نه برعکس. حزب عامل آگاه و پرچمدار مبارزه با پراکندگی است و بهمین جهت نمی تواند تسلیم شرایط پراکندگی بوده و به این شرایط تشنیت ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی تن در دهد. حزب باید به مثابه عامل آگاه، آگاهانه به مبارزه با این روحیه تشنیت خرده بورژوازی و پراکنده طلبی بپاخیزد و مهر خویش را به رفع پراکندگی و صدمات ناشی از آن در پس از بروز رویزونیسم در جنبش کمونیستی ایران بزند.

این است که دو تشکل فوق با احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، بر اساس سه اصل ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی کمونیستی و بطور مشخص بر مبنای خط مشی، برنامه و اساسنامه حزب کار ایران (توفان) به وحدت سازمانی نایل آمدند و همه کسانی را که دل در گرو رهائی پرولتاریا دارند، فرا می خوانند به تردید خویش غلبه کرده و در این راه مشترک با احساس مسئولیت کمونیستی همراه با تجارب غنی مبارزاتی خود با ما همراه شوند.

زنده باد مارکسیسم لنینیسم

زنده باد آزادی، استقلال، دموکراسی، و سوسیالیسم

"حزب کار ایران (توفان)" و "تشکل مارکسیستی لنینیستی توفان و راه آینده" طبق سنت و همچنین اعتقاد همیشگی خویش، وفاداری عمیق خویش را نسبت به حزبیت اعلام داشته و بر این تجربه تاریخی تکیه می کنند، که همه مل‌ها، همه سازمانها و تشکلهایی که به مل‌ و انقلاب کبیر اکثر شوروی سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در شوروی، در دوران رفیق لنین و استالین اعتقاد دارند، باید و می توانند در تشکل واحد گرد آیند. حل اختلافات باید با درونما و هدفمند بوده و در خدمت بنا و تقویت حزب طبقه کارگر صورت گیرد. حزب مظهر حافظه تاریخی طبقه کارگر، الهام بخش تداوم مبارزه این طبقه و به منزله عامل آگاه، شرط پایان دادن به پراکندگی است. حزب است که به مبارزه بی امان با تفکرات خرده بورژوازی و بورژوازی آنارکو سندیکالیستی، دنباله روی از "توده کارگر" و جنبش اکونومیستی دست می زند و نشان می دهد که نظریه تحریف شده "آزادی طبقه کارگر بدست خودش" و بدون نیاز به رهبری حزب و عامل آگاه، یکی از شگردهای ایدئولوژیک مبارزه بورژوازی بر ضد طبقه

بیانیه وحدت...
علی الاصول درک ماتریالیستی-دیالکتیکی بوده و در کلیه عرصه های ایدئولوژیک و سیاسی در جهان و ایران در کلیت خویش همخوانی غیرقابل انکار داشته اند. باین جهت جدائی آنها غیر طبیعی و ناموجه و غیر مسئولانه است. آنها مصمم شدند که به این وضعیت پراکندگی با احساس مسئولیت کمونیستی خاتمه دهند.

هر دو تشکل بر این نظرند که مبانی وحدت در حزب طبقه کارگر، توافق مو به مو بر سر همه مسایل روزمره و خرد و غیره عمده، که بر بروز و وقوع آنها نمی توان نقطه پایانی گذارد، نیست. مبانی وحدت در یک تشکل کمونیستی، **پیر اساس ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی، سیاست انقلابی به منظور رهائی طبقه کارگر از مناسبات حاکم سرمایه داری و اصول لنینی سازمانی استوار است.**

وحدت باید بر اساس مسایل تعیین کننده، ماهوی و کلان که بیان ماهیت تشکلهای هستند، صورت پذیرد، سایر مسایل، به منزله موارد اختلافات جزئی و غیر عمده باید در چارچوب حزب واحد طبقه کارگر مورد بررسی قرار گرفته و با احترام به اصول سازمانی حزبی و رعایت موازین لنینی سازمانی، در خدمت وحدت حزب واحد حل و فصل شوند. در حل این مسایل باید به اهمیت کلان و حل جز در خدمت کل، اصل **"وحدت-انتقاد-وحدت"**، یعنی مبارزه با انگیزه تقویت وحدت حزب توجه کرد. مبارزه سالم درون حزبی که بر اساس اصول فوق است، گویای زنده بودن حزب، احساس مسئولیت حزب و دموکراتیک بودن روابط درونی آن است. این مبارزه درونی دموکراتیک به تقویت حزب منجر می شود.

"حزب کار ایران (توفان)" و "تشکل مارکسیستی لنینیستی توفان و راه آینده" طبق سنت و همچنین اعتقاد همیشگی خویش، وفاداری عمیق خویش را نسبت به حزبیت اعلام داشته و بر این تجربه تاریخی تکیه می کنند، که همه مل‌ها، همه سازمانها و تشکلهایی که به مل‌ و انقلاب کبیر اکثر شوروی سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم در شوروی، در دوران رفیق لنین و استالین اعتقاد دارند، باید و می توانند در تشکل واحد گرد آیند. حل اختلافات باید با درونما و هدفمند بوده و در خدمت بنا و تقویت حزب طبقه کارگر صورت گیرد. حزب مظهر حافظه تاریخی طبقه کارگر، الهام بخش تداوم مبارزه این طبقه و به منزله عامل آگاه، شرط پایان دادن به پراکندگی است. حزب است که به مبارزه بی امان با تفکرات خرده بورژوازی و بورژوازی آنارکو سندیکالیستی، دنباله روی از "توده کارگر" و جنبش اکونومیستی دست می زند و نشان می دهد که نظریه تحریف شده "آزادی طبقه کارگر بدست خودش" و بدون نیاز به رهبری حزب و عامل آگاه، یکی از شگردهای ایدئولوژیک مبارزه بورژوازی بر ضد طبقه

نقض مستمر...

می‌کنند."

در اینکه آقای حمید ابوطالبی می تواند تروریست باشد، جای تردید باقی نیست. کل رژیم جمهوری اسلامی بر اساس سرکوب و ترور بنا شده است

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

نقض مستمر...

که آمریکا از ورود نماینده چین و روسیه به بهانه تروریست بودن به نیویورک جلوگیری کند، دیر نخواهد بود. دولت آمریکا حق ندارد جلوی نماینده منتصب ممالک برای شرکت در نشستهای سازمان را بگیرد. در این صورت سنگ بر روی سنگ باقی نخواهد ماند. این بدان مفهوم است که آمریکا با زدن یک اتهام تروریست بدرستی و یا بدروغ می تواند از اعمال حقوق سایر کشورها جلوگیری کند و ترکیب مجمع عمومی سازمان ملل را با رنگ آمریکائی مزین گرداند. باید پرسید مگر نتانیاها و مناحم بگین تروریست نبودند و نیستند؟ مگر رژیم سوهارتو در اندونزی و یا پینوشه در شیلی و یا رژیم کودتائی نازی ها در اوکراین تروریستی نیستند که حتی در کشتار مردم غیر نظامی در میدان "مایدان" دخالت داشته اند؟ مگر رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی تروریستی نبود؟ آمریکا خودش بزرگترین تروریست جهانی است و از همه این رژیمهای تروریستی دفاع کرده است. سازمان ملل به جای حمایت از پاتریس لومومبای آزادیخواه از موسی چومبه جنایتکار دفاع کرد و وی را به عنوان نماینده مردم کنگو به مجمع عمومی سازمان ملل راه داد. اگر قرار باشد حقوق و تعهدات جهانی را وابسته به ماهیت رژیمهای حاکم بنمائیم و تفسیر آنرا نیز بدست کنگره آمریکا و یا روح مک کارتیسم در آمریکا بسپاریم، آنوقت باید آلبرت اینشتین، برتولد برشت، همفری بوگارت، چارلی چاپلین، هوارد فاوست و... را به زندان بیندازیم و سگهای نازی را در خیابانها رها گردانیم. امپریالیست آمریکا در صدد آن است که قوانین آمریکائی را در همه جهان با زور به کرسی بنشانند و متأسفانه اپوزیسیون ایران نیز یا به علت خود فروختگی و یا به علت جهالت بر این تعدی و زورگویی مهر تائید می زند. کسانی که با محاصره غیر قانونی ایران از طرف کنگره آمریکا و تصمیمات اتحادیه اروپا که همه آنها غیر قانونی هستند موافقت کردند و آنرا مورد تائید قرار دادند، همه آنها که دستورات و اوامر کنگره آمریکا را بالاتر از تعهدات جهانی می دانند و برای آمریکا حق ویژه قایلند و به وی نقش آقا بالا سر و پلیس و دادستان جهانی می دهند، حال باید بر این تصمیم جدید و غیر قانونی آمریکا نیز صحنه بگذارند و قانون جنگل را بر جهان حاکم گردانند. تمام تروریستهای تبهکار و بیرحم جهانی جنایات جمهوری اسلامی را بهانه کرده اند تا جنایاتی بمراتب فجیع تر با دامنه وسیع تر و نتایج دهشتناکتر در آینده به بشریت تحمیل کنند. امپریالیسم و صهیونیسم همین روش را در مورد سفر احمدی نژاد به نیویورک بکار گرفتند و می خواستند زیر نقاب حمایت از "حقوق بشر" مانع ورود وی به سازمان ملل متحد شوند، آنها بیکیاره مدعی شدند که احمدی نژاد جزء دانشجویان پیرو خط امام بوده و تصویری از وی را نیز در مطبوعات آمریکا منتشر کردند که بعداً آنرا به سکوت برگذار کردند. این سیاست در

گذشته البته با شکست روبرو شد. ولی آنها اکنون خود را در شرایطی می بینند که با قدری، همه نظریات خویش را به جهان و سازمان ملل تحمیل کنند. اگر آمریکا موفق شود جلوی ورود حمید ابوطالبی مأمور جمهوری اسلامی را، با هر ماهیتی که هست، به مقر سازمان ملل متحد در نیویورک با نقض تعهدات بین المللی بگیرد و مورد اعتراض کسی قرار نگیرد، آنوقت دیر نخواهد بود تا از ورود سایر نمایندگان دول مخالف با آمریکا نیز با یک برجسب ساختگی "تروریست" ممانعت به عمل آورد. این اقدام یک عمل جنگ طلبانه، غیر دموکراتیک، انحصارطلبانه و گویای استقرار دیکتاتوری و استبداد امپریالیستی در جهان خواهد بود. این اقدام تهدید کشورهای، تحت فشار قرار دادن آنها، ایجاد تزلزل و آشوب در جهان و بر هم زدن ثبات جهانی و مسلط کردن رعب بر جهان است. مسئله ابوطالبی فرع بر آن نیات شومی است که امپریالیسم از نظر راهبردی در پیش دارد. حزب کار ایران (توفان) به این مسئله از جنبه راهبردی و نتایج فاجعه آور آن برای جهان و از جمله ایران برخورد می کند و نه از جنبه تنگ نظرانه تسویه حساب سیاسی در این زمینه با رژیم جمهوری اسلامی. رژیم تروریستی است به حد کافی نقطه ضعف دارد که بتواند مستقلاً مورد افساء قرار گیرد، و نیازی به آن نباشد تا کسی برای افساء این رژیم در پارکابی امپریالیسم آمریکا حرکت کند و کل را در پای جز قربانی نماید. آن بخش از اپوزیسیون جاهل ایران که در هنگام ورود احمدی نژاد به نیویورک در سالهای قبل به جای افساء جنایات رژیم جمهوری اسلامی و ارائه هشیاری با مرز کشیدن روشن با امپریالیسم و بویژه صهیونیسم از آمریکا درخواست می کرد، احمدی نژاد را به مقر سازمان ملل متحد راه ندهد، و یا ایران را بر اساس خواست امپریالیستها از مجامع عمومی جهانی به صورت غیر قانونی اخراج کند، دارد هم اکنون از طریق وضعیت ابوطالبی به آرزوی خود می رسد. امپریالیست آمریکا این اپوزیسیون خودفروخته و یا جاهل را از همان روز نخست برای چنین روزهایی تقویت می کرد تا در صورت تجاوز به ایران در کنار آمریکا قرار داشته باشد. حزب ما همیشه از اصول دفاع کرده و این بار نیز اقدام امپریالیست آمریکا را محکوم می کند. سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی وظیفه مردم ایران است و نه دول استعماری و از طریق انقلابات مخملی با همکاری مثنی ایرانی خودفروخته.

دخالت امپریالیستهای غرب ...

محتوی، برای آنکه چیزی نگفت بر کرد. پرسش نخست این است که آیا ما در کشور اوکراین با یک جنبش مردمی روبرو بوده ایم؟ آیا آقای کلیچکو و خانم تیموشنکو و نازی های شریک در قدرت مبارزان ضد فساد و ضد الیگارش هستند؟ آیا این تبلیغات امپریالیستهای

غربی از تصویری که داده می شود، حقیقت دارد؟

بنظر حزب ما هرگز چنین نیست.

پس از فروپاشی شوروی و تلاشی این کشور و پراکنده شدن اقماری، امپریالیستهای غربی کوسه وار برای بلعیدن خون مردم این ممالک هجوم آوردند تا به نیروی کار ارزان دست یافته، بازارهای فروش و مواد اولیه و ثروتهای این ممالک را به چنگ آورده و این سرزمین ها را به سکوی پرشی برای رقابت و ادامه توسعه دامنه مناطق نفوذ اقتصادی و نظامی و سیاسی و فرهنگی خویش به سمت شرق و دستیابی به تمام سرزمین بزرگ روسیه ی زخم خورده و تهدید راهبردی رقیبشان چین امپریالیستی، در آتیه تبدیل کنند. ارمنان "دموکراسی و آزادی و مبارزه با فساد" ریاکاری امپریالیستی و از دروغهای روشن آنهاست. کسانی که فریب این تبلیغات را می خورند، نه فقط ساده لوحان سیاسی هستند که ایجاد طبقات غارتگر جدید را به حساب دموکراسی و آزادی می گذارند، بلکه برای رهبری سیاسی جامعه ایران نیز خطرناک اند.

امپریالیستهای غرب، گرجستان را بلعیدند، آذربایجان را به زیر سلطه خود درآوردند، ممالک بالتیک را به پایگاه نظامی و تبلیغاتی غرب بدل کردند و حتی نازی های فراری به آمریکا را در بخشی از آنها بر سر کار آوردند. مبارزه تحریک آمیز ضد روسی آنها در قالب مودبیانه مبارزه با کمونیسم، چون سایه مخوفی بر این ممالک سایه افکنده است. **آنها روسیه**

رویزونیستی را مساوی شوروی سوسیالیستی**دوران کبیر لنین و استالین قرار دادند تا خشک****و تر را با هم بسوزانند. در حقیقت این ممالک**

نیمه مستعمره، اربابان جدیدی یافتند که تنمه امکانات رفاهی را نیز با نام نولیبرالیسم از آنها گرفتند. در همه این ممالک مافیای قدیم بورژوازی نوخاسته شوروی، به مافیای کراواتی نوین بدل شد و استبداد بروکراتیک گذشته با رنگ و جلای جدید ادامه پیدا کرد. برای نمونه، در اوکراین هیچوقت یک رژیم دموکرات بر سر کار نبود. چه رژیم خانم یولیا تیموشنکو که تبهکاری تحت پیگرد پلیس است و چه آقای ولادیمیر یانوکوویچ، هیچکدام انقلابی و دموکرات نبودند. آن رجاله هائی که تجمع میدان "مایدان" را با یاری تدارکاتی و عظیم مالی امپریالیستهای غرب رهبری می کردند و با دوربینهای تبلیغاتی غرب بزرگنمایی می شدند، نماینده مردم اوکراین نبودند که گویا مخالف حکومت استبدادی و استقرار حکومت دموکراتیک هستند. مگر در اوکراین بعد از کودتای اخیر توسط نازی ها، حکومت ملی و دموکراتیک بر سر کار آمده است که باید مورد تائید قرار بگیرد؟ این رجاله ها که می خواستند از نارضائی مردم در اوکراین استفاده کنند، پس از دست اندازی به اهرمهای قدرت، ماهیت فاشیستی و ضد بشری خویش را به بهترین وجهی در همین مدت... ادامه در صفحه ۴

و هدایت سیاستهای اوکرائین شده و استقلال آنرا تهدید خواهد کرد. ولی پیوستن به قرارداد همکاری با اتحادیه اروپا یعنی نابودی همه صنایع سنگین اوکرائین که در شرق این کشور مستقر است. یعنی مداخله آشکار در امور داخلی اوکرائین، یعنی پیشروی ناتو تا مرز روسیه، یعنی تقویت نازیسم در اروپا، یعنی افزایش خطر جنگ و ادامه سیاست نقض حاکمیت کشورها در سراسر جهان، یعنی یوگسلاویزه کردن جهان. در زمانی که آشوبگران به نام مردم اوکرائین با نقض همه مقررات و قوانین اوکرائین در "مایدان" گرد آمده بودند، آلمانها قهرمان سنگین وزن و سبک مغز بکس جهان، آقای ویتالی کلیچکو را که دست پروده بنیاد استعماری "کنراد آدنائر" است، مورد حمایت قرار داده تا نخست وزیر دست نشانده اوکرائین شود؟! اکنون نامی هم از این دست نشانده سنگین وزن، بی شخصیت، بی اهمیت و بی سواد مطرح نیست. انسان بی اختیار یاد این شعر می افتد:

من از روییدن خار لب دیوار دانستم
که نا کس کس نمی گردد ازین بالا نشینی ها.
آنها در امور داخلی اوکرائین به مداخله آشکار پرداخته و مقامات رسمی شان در "مایدان" ظاهر شده و سخنرانی های تحریک آمیز می کردند که حتی خودشان حاضر نیستند به بروز یک نمونه مشابه آن، در کشور آلمان و یا جای دیگر در اروپا، اجازه تکرار دهند. آقای وستر وله (Westerwelle) وزیر امور خارجه آلمان در ۵ دسامبر سال ۲۰۱۳ راهی اوکرائین شد و قبل از ملاقات با مقامات رسمی اوکرائین، در همراهی با عوامل آلمان در اوکرائین، از فرودگاه عازم میدان "مایدان" گردید و در آنجا اعلام کرد: "ما به حضور اوکرائین در اتحادیه اروپا خوش آمد می گوئیم". وی بعد از آن سنگ تمام گذارد و اضافه نمود: "ما در اوکرائین جانب هیچ حزبی نیستیم ما جانب ارزشهای اروپائی هستیم". ظاهرا برگزاری انتخابات آزاد و انتخاب دموکراتیک آقای یانوکوویچ یک ارزش اروپائی محسوب نمی شد. روسها طبیعتا نسبت به این دخالت آشکار در امور داخلی اوکرائین که جهت آشکار ضد روسی داشت، برآشفته شده و اعتراض کردند و آقای وستروله برای محکم کاری در پاسخ به اعتراض روسها اعلام کرد: "وقتی ما اروپائیها، با اروپائیهای دیگر نظیر اوکرائینی ها صحبت می کنیم، دخالت در امور داخلی نیست، بلکه از بدیهیات است". این اظهارات فاشیستی که حتی روسها را خارج از اروپا قرار می دهد و بوی هیتلرسم از آن به مشام می رسد، در وقاحت بی نظیر است و تنها بوی زبان زور را به مشام می رساند. آقای مک کین نامزد سابق ریاست جمهوری امریکا، از آمریکا با هوپیمای اختصاصی راه می افتد و چند هزار کیلومتر آنطرفتر با نقض حق حاکمیت ملی اوکرائین، در میدان "مایدان" ظاهر می شود و در سخنرانی خود به صورت توهین آمیز، با پخش شیرینی میان ... ادامه در صفحه ۵

نازی ها که با یک کودتا بر سر کار آمده است، ادعا می کند که کشور ما ورشکسته است و به ۳۵ میلیارد دلار در طی دو سال آینده برای نجات اقتصاد نیاز دارد. ایجاد هراس و ترس از مرگ بر جامعه اوکرائین حاکم می شود تا دولت جدید همانطور که اعلام کرده است، تمام خواستههای صندوق بین المللی پول را به بهانه نجات اقتصاد برآورده سازد. ولی این خواستهها به معنای افزایش قیمت کالاها، پائین نگهداشتن سطح دستمزد کارگران، حذف خدمات رایگان و یا اساسا خدمات دولتی، افزایش بهای برق، گاز، آب و... می باشد تا برای سرمایه گذاری های خارجی بازار اوکرائین به بازاری سود آور بدل شود. صندوق بین المللی پول که تا دیروز حاضر نبود به دولت قانونی وقت اوکرائین کمک مالی کند، در ۲۸ ماه مارس ۲۰۱۴ اعلام کرد که حاضر است برای ممانعت از ورشکستگی اوکرائین ۱۸ میلیارد دلار وام به حکومت فاشیستی کودتا که نه دموکرات است و نه منتخب مردم و نه مدافع حقوق بشر بپردازد. این وام البته چیزی جز وام اسارت آور نیست. فشار

دخالت امپریالیستهای غرب ...

کوتاه نشان داده اند. این عده حتی نمی توانند نمایندگان واقعی ناراضیان صمیمی باشند. آقای یانوکوویچ که در رقابت با خانم تیموشنکو، نماینده انقلاب مخملی آمریکائی، یک بار بازنده شده بود، در یک انتخابات دموکراتیک به همان مفهوم تیموشنکوئی آن، در زمانی که هنوز خانم یولیا تیموشنکو بر سر کار بود و این انتخابات را برگزار کرده بود، با اکثریت آراء مردم اوکرائین انتخاب شد. آقای یانوکوویچ خوب یا بد، دموکرات یا مستبد، مافیای یا حاتم طائی، به اشتباه و یا بدرستی، نماینده منتخب اکثریت مردم اوکرائین بود و هست. کسانی که در میدان "مایدان" تجمع کرده بودند، نمایندگان دموکراسی و مبارزان ضد مفاسد اجتماعی، هواداران آزادی بیان و قلم، رفع سانسور و تامین حقوق بشر نبودند و نیستند، زیرا به عنوان اقلیتی مستبد و بازنده ای چر زن در انتخابات، حاضر نیستند به رای اکثریت مردم اوکرائین گردن بنهند، تصمیمات پارلمان اوکرائین را که منتخب مردم اوکرائین است، بپذیرند، آنها می خواستند آنچه را که در یک انتخابات دموکراتیک از دست داده اند، با زور تبلیغاتی و مالی امپریالیستهای غرب به کف آورند. وگرنه چه معنا دارد که عده ای با همه امکانات مالی و غذایی و دارویی و پوشاکی و بهداشتی، آنهم بدون مجوز قانونی، در طی ماهها، نمایشات اعتراضی خودسرانه و طولانی راه بیاندازند و آشوب و بی ثباتی ایجاد کنند و ساختمانهای دولتی را اشغال نموده و حتی در موقعی که دولت آقای یانوکوویچ خواستههای آنها را می پذیرد، خیابانها را ترک نکنند و به خانه های خود نروند و خواستههای جدید مطرح کنند و آنرا تا حد کسب قدرت سیاسی ارتقاء دهند و نامش را به جای کودتا و تهدید و ارعاب، پیروزی دموکراسی جا بزنند؟ و گرنه چه معنا دارد که آنها تک تیرانداز بسیج کنند و برای ایجاد بلوا و آشوب و تزلزل عمومی، مردم عادی را بکشند، تا آنچه را که در اثر تحریکات بدون خونریزی کسب نکرده اند، با جاری ساختن خون و تحریک اعصاب عمومی بدست آورند. رویدادهای اوکرائین پیروزی مردم اوکرائین نبود، کودتای امپریالیسم غرب بود تا از اوکرائین برای منافع راهبردی خویش استفاده کند. اوکرائین انبار غله اروپاست. ابر شرکتهای شل و شورون می خواهند برای استخراج ۲۰ میلیارد متر مکعب گاز از لایه های عمیق سنگی نفت در زیر زمینهای مزروعی اوکرائین، در آنجا فعال شوند تا گاز اروپا را با نابودی محیط زیست در اوکرائین، با شیوه استخراج آمریکائی تامین کنند و تا به امروز ۳۵۰ میلیون دلار در این عرصه سرمایه گذاری کرده اند. امپریالیستهای غرب می خواهند شیره جان مردم اوکرائین را بمکنند، تا آنها برای تامین ادامه بقاء و حفظ اقتصاد خویش بدهکار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول گردند و به سازمان تجارت جهانی پیوسته و سیاست اقتصادی نئولیبرالی را که در جهان فاجعه آفریده است در اوکرائین پیاده کنند. دولت

توفان در توئیتر

Toufanhezbkar حزب کار ایران (توفان) در فیس بوک

[Toufan HezbeKar](#)

facebook



Name:
Toufan HezbeKar
Email:
toufan@toufan.org
Status:
None

اروپا برای امضای قرار داد همکاری با اتحادیه اروپا به دولت یانوکوویچ، که زیر بار آن نرفت، برای تحقق سیاست اقتصادی نئولیبرالی در اوکرائین بود. حکومت جدید دست راستی فورا این قرارداد استعماری را برای فروش اوکرائین امضاء کرد و نمی شود با زور دروغ و تبلیغات آنرا خواست مردم اوکرائین جا زد. همین کار را دارد دولت روحانی با مردم ایران می کند. دولت منتخب یانوکوویچ ترجیح می داد که به اتحادیه گمرکی روسیه بپیوندد که از جمله روسیه سفید، ارمنستان، قزاقستان عضو آن هستند. طبیعی است که این امر نیز منجر به افزایش نفوذ روسیه

دین امر خصوصی است و باید از دولت و آموزش جدا شود

است. رفتار نژادپرستانه آنها با مردمان روس آبیستن تشنج در تمام مناطقی است که روسها در اروپا اقلیتی را در آنها تشکیل می دهند. راه در آمدن از بحران در اوکراین با زورگویی و هل من مبارز طلبیدن نیست. راه غلبه بر بحران احترام به قانون اساسی اوکراین، عدم دخالت در امور داخلی اوکراین از طرف قدرتهای بزرگ و بویژه اروپا و آمریکا و احترام به تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی مردم اوکراین است. بحرانی که امروز در اوکراین بوجود آمده ریشه در توسعه نفوذ امپریالیسم غرب در جای پای ابرقدرت شوروی سابق دارد. آنها در پی محاصره روسیه از نظر نظامی و توسعه دامنه نفوذ پیمان تجاوزکارانه ناتو هستند و می خواهند با فشار اقتصادی و نظامی به منابع عظیم ثروت دست نخورده سرزمین روسیه و محاصره چین دست پیدا کنند. امپریالیسم روس نیز به این سادگی به زیر بار خطری که در آستانه مسکو قرار دارد نمی رود و با اتحادیه گمرکی خود در مقابل قرارداد مناطق آزاد تجاری غرب و سازمان تجارت جهانی ایستادگی می کند.

امپریالیسم غرب در شرایط امروز جهانی امپریالیسم مهاجم و خطرناک برای تهدید صلح

در جهان است. کمونیستها در شرایط کنونی نمی توانند نسبت به این خطر بالفعل تحت این عنوان که "همه امپریالیستند" بی تفاوت بمانند.

کمونیستها باید در این شرایط خطرناک جهانی

از حق حاکمیت کشورها، از تمامیت ارضی

آنها، از عدم مداخله در امور داخلی کشورها که

به بهانه های گوناگون صورت می پذیرد، دفاع

کنند. کمونیستها باید ریاکاری امپریالیستها در

دفاع از "حقوق دموکراتیک"، "انتخابات آزاد"،

"مبارزه با فساد"، "تحقق حقوق بشر"، "آزادی

بیان و قلم"، "آزادی توینتر و فیس بوک و شبکه

مجازی" و... افشاء کنند و نشان دهند که حقوق

دموکراتیک به مثابه مفاهیم اجتماعی طبقاتی اند

و امپریالیستها گزینشی از آن برای نیات شوم

خود استفاده می کنند. کمونیستها در شرایط

کنونی باید از **صلح جهانی و تقبیح جنگ حمایت**

کنند. حفظ صلح و رفع خطر جنگ به نفع خلفا

و طبقه کارگر در جهان است.

در غیر این صورت امپریالیستها تیرئه می شوند،

ریاکاری تبلیغاتی آنها برملا نمی شود و تجزیه

اوکراین آغاز تجزیه سایر ممالک و افزایش

خطر جنگ و فلاکت برای بشریت خواهد بود.

کمونیستها واقعی در اوکراین باید برای تحقق

این خواستها مبارزه کنند و مردم را بسیج نمایند.

اوکراین برای مبارزه با هیتلر به استالین نیاز

دارد.

سفری به کره شمالی ...

خواهند این سنگلاخی که در مسیر جنگ با

رقبای نوحاسته است، از میان بردارد.

از جانب ریاست جمهوری آمریکا، برنده جایزه

صلح نوبل، خبر رسید ... ادامه در صفحه ۶

کنند. البته این درست است که در قانون اساسی اوکراین مبنای جدائی، تنها با رای همه مردم اوکراین رسمیت دارد و هر منطقه و یا بخش از اوکراین نمی تواند و مجاز نیست با مراجعه به آراء مردم همان منطقه اعلام جدائی کند. ولی استناد به قانون اساسی زمانی مجاز است که این قانون در تمامیت خود مورد احترام و پذیرش همه مردم اوکراین باشد. نمی شود قانون اساسی را خودسرانه تغییر داد و یا تفسیر کرد. اگر قانون اساسی ملاک قضاوت است، نخست وزیر قانونی اوکراین نامش یانوکوویچ است که در یک انتخابات دموکراتیک توسط مردم اوکراین انتخاب شده است و هرگز نیز از مقام خود خلع نشده و استعفاء نیز نداده است. قانون اساسی اوکراین حق اقلیت ملت روس را در استفاده از زبان رسمی روسی برسمیت شناخته است و نمی شود نازی ها یکشنبه همه مواد قانون اساسی اوکراین را لگدمال کنند و فقط موادی را به رسمیت بشناسند که می توان بر اساس شرایط روز آنرا به نفع خود مورد تفسیر قرار داد. قانون اساسی که یکبار به زیر پا برود، بدعتی را بنا می کند که همیشه مورد تعرض و تعدی قرار گیرد. رطب خوردگان منع رطب چون کنند.

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS

پس مسووم ترس مسسیم جسی مسسائل سب جزیره کریمه و یا حتی سایر مناطق اوکراین از نظر حقوقی، فقط یک ریاکاری صرف است. قانون اساسی اوکراین که باید مورد احترام مردم اوکراین و همه همسایگان اوکراین باشد، میثاقی است میان همه مردم اوکراین که باید مورد احترام همه آنها در تمامیت خود باشد. قانون اساسی را نمی شود گزینشی پذیرفت. دولی که در امور داخلی اوکراین دخالت کردند و در راسشان آلمان و آمریکا مسوول وضعیتی هستند که در اوکراین پیدا شده است. آنها هم قانون اساسی اوکراین را لگدمال کردند، هم به قانون احترام به حق حاکمیت کشورها، تف کردند و هم اعلام کردند که ناقض حقوق بین الملل و منشور ملل متحد هستند. در این میان آلمانها از همه بیشتر باخته اند. امپریالیسم گستاخ و توسعه طلب و وقیح آلمان چنان با اطمینان خاطر و خودخواهانه تاخت که سرش بر سنگ خورد و کار به جانی رسیده است که مقامات اسرائیلی به تحریفاتی که نازی های کودتاچی در قدرت در کیف، در تاریخ اوکراین می کنند و به تغییر محتوی کتب درسی پرداخته اند به اعتراض برخاسته اند. پیروزی نازی ها در اوکراین حتی برای لهستانی ها و چکها نیز تولید نگرانی نموده

دخالت امپریالیستهای غرب ...

حضار در "مایدان"، آنها را ترغیب به کسب قدرت سیاسی می کند.

دولت آقای یانوکوویچ حتی حاضر شد برای ممانعت از تجزیه اوکراین، برای رفع تشنج به عقب نشینی های خفت آوری که در توافقنامه ای میان اپوزیسیون و دولت و تأیید حضوری وزرای خارجه آلمان، فرانسه و لهستان و موافقت تلفنی وزیر خارجه روسیه، تدوین شده بود، تن در دهد. به موجب آن آقای یانوکوویچ آماده بود، انتخابات را به جلو بیاورد، دولتی انتقالی بوجود آورد و در قانون اساسی اصلاحاتی مورد توافق اپوزیسیون به عمل آورد. این توافقنامه حتی مورد تحسین رسمی دول آلمان، فرانسه و لهستان قرار گرفت. طبیعی است که آقای یانوکوویچ می دانست که برنده انتخابات آزاد بعدی، خود آقای یانوکوویچ است و اپوزیسیون آلمانی-آمریکائی بختی ندارد. این حقیقت بر نماینده امپریالیستهای غرب نیز روشن بود. آنها بهیچوجه نمی توانستند به یک انتخابات آزاد تن در دهند، زیرا مردم اوکراین که ماهیت سردمداران "مایدان" را شناخته بودند و مداخله امپریالیستها در امور داخلی کشورشان را می

دیدند و بوی تعفن نازیسم را استنشاق می کردند، حاضر نبودند خانم تیموشنکووی تبهکار و دست نشانده آلمانها را بر سر کار آورند. در این میان آمریکائی ها که با شعار "اروپا را

بگناید" (fuck the EU) به میدان آمدند، ریر پای بکسور "مستقل، دموکرات" آلمانی را رویدند و وی را مانند قابدمستمال به زباله دان تاریخ افکندند و نامزدهای مورد علاقه خویش را با یاری نازی ها و تقویت آنها بر سر کار آوردند. کودتای اوکراین در حقیقت بدست آمریکائی ها و رو دست زدن به اتحایه اروپا انجام شد و بویژه آلمانها را در مقابل روسها در موقعیت اقتصادی و سیاسی بسیاری بحرانی و خطرناکی قرار داد. آقای آرسنی یاتسنیوک (Arseniy Yatsenyuk) نخست وزیر کودتائی اوکراین در حقیقت مرد مورد علاقه آمریکاست و باید سیاست نئولیبرالیسم آمریکائی ها را به بهترین وجه در اوکراین پیاده کند. روشن است که این آقای نخست وزیر قانونی نیست. مغایر قانون اساسی اوکراین بر سر کار آمده است. از نظر قانون اساسی اوکراین، خوب یا بد، هنوز آقای یانوکوویچ نخست وزیر رسمی و قانونی است. مضحک است که همین دشمنان قانون اساسی که در اوکراین بر سر کار آمده اند و مورد تأیید امپریالیستهای "دموکرات" هستند، جدائی شبه جزیره کریمه از اوکراین و پیوستن آن به روسیه را، ضد قانون اساسی اوکراین اعلام می

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند

این گرگ آشناست و مصمم است در برابرش موضع ضعف و تسلیم نگیرد. در پاسخ به مانورهای خصمانه دشمن اعلام کرده است:

تکنیک فضائی و سفینه های فضائی را به کار اندازد و یا دوباره به کار اندازد و آن را گسترش دهد

-اگر مورد حمله قرارگیرد از مرزهایش دفاع خواهد کرد، ولو با بمب اتمی

-در عین حال خواهان همزیستی مسالمت آمیز است. عدم توسل به جنگ، تا آنجا که ممکن باشد از پرنسیپهای اوست.

-ارتش کره شمالی توده ای و دفاعی است، قصد حمله و جنگ با کشوری ندارد.

در برابر مانور خصمانه آمریکا و کره، برای اثبات قاطعیت، کلیه روابط با کره جنوبی را قطع کرد و تمام توافقات با آمریکا را ملغی ساخت و تمام تاسیسات صنعتی، از جمله نیروگاه اتمی را دوباره فعال کرد... اعلام کرد که اگر مورد حمله قرار گیرد، پایگاه های آمریکا را در ژاپن، کره جنوبی و جزایر گوام بمباران خواهد کرد.

بدین ترتیب آمریکا و گماشتگانش به شگفتی افتادند که این کشور ضعیف چگونه و با چه گستاخی مصمم است از استقلال خود دفاع کند. ... ادامه دارد.

بیانیه و پیام...

اگرچه انسان عمر نوح ندارد و ما نیز تنها جوانان گذشته ایم، لیکن کوله بار تجربه بیش از نیم قرن جنبش کمونیستی جهانی و ایران را بر شانه خود حمل میکنیم. و این توانایی ما است که نمیتوان آن را کم بها شمرد و یا نادیده انگاشت. فرصت ها را باید به موقع شناخت و استفاده کرد. چنین بود که تصمیم گرفتیم به سوی وحدت با «حزب کار ایران (توفان)» برویم.

در شرایط کنونی متأسفانه ما قادر نیستیم گذشته را چراغ راه آینده بسازیم؛ به این دلیل که این گذشته علیرغم دست آوردهای درخشان، شامل اشتباهات و انشعاباتی نیز است که پژوهش و بررسی آنها نه از عهده ما برمی آید و نه مرجع قابل تائیدی وجود دارد و نه بسود جنبش است. تنها میتوان ما را در گرداب مهلک خود نابود سازد. در این جاست که باید به حق گفت ما حاضر نیستیم، گذشته سایه تیره خود را بر مسیر راه حال و آینده ما به افکند و ما را از پا درآورد. اما از این گذشته بخوبی میتوان آموخت که انشعابات ما در «سازمان توفان» هرگز ضرورت عینی نداشتند و اشتباهاتی بوده اند که ضربه مهلکی بر جنبش کمونیستی ایران وارد آوردند.

«سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» بر بنیان مارکسیسم - لنینیسم و در جدایی و پیکار ایدئولوژیک و سیاسی با رویزیونیسم خروشچی به وجود آمد و رشد کرد. اختلافات پدید آمده در آن، همه میتوانستند با شیوه مبارزه به منظور حفظ و تعمیق وحدت، با روش حفظ کلیت و فداکردن جزء قابل حل باشند. در نتیجه انشعاباتی که صورت گرفتند نیز... ادامه در صفحه ۷

کره شمالی را در خود حل کند، ناگهان می رفت همان گونه که آلمان شرقی، پس از نزدیکی با آلمان غربی، از درون تلاشی و واژگون شد، کره شمالی هم تاب مقاومت نیاورد. اما کره شمالی برجای ماند و فرو نپاشید.

در جریان دوره کوتاه تنش زدایی، کره شمالی حاضر شد کارخانه های تولید اتمی خود را نابود کند، مشروط به این که برای نیاز داخلی انرژی، از آمریکا نفت دریافت کند و افزون بر آن آمریکا، پس از سه ماه خاک کره جنوبی را ترک کند. کره شمالی به تعهد خود وفا کرد، در حضور ناظرین بین المللی و رسانه های خارجی به تخریب کارخانه ها همت گماشت و گام غیر منتظره و اساسی را در جهت وحدت برداشت. و این تلاش تنش زدایی کره شمالی برای اولین بار نبود. کره شمالی در این زمینه پیوسته به تعهد خود وفا کرده است. از همان سال ۱۹۵۴ پیشنهادهایی در امر وحدت داده و به آن پشت پا نزده است. در حالی که دشمنانش گاه گاهی برای وقت گذرانی-تعهداتی به عهده گرفته، زیرش امضاء کرده، طرف مقابل را به گذشت هایی و داشته، هنوز جوهر توافق نامه خشک نشده، آن را زیر پا گذاشته، لگدمالی کرده اند. اما تنها رذیلت زورمندان عهدشکنی نیست. اگر تنها همین بود از آن به آسانی می گذشتیم.

حقیقت این است که آمریکا برنامه فروپاشاندن کره شمالی و بلعیدن آن را در پیش دارد. رسانه های عمده جهانی را وادار کرده چنین وانمود کنند که در کره شمالی از "حقوق بشر" خبری نیست. نه تنها در کره شمالی، که در هر جا که با آمریکا سرسازگاری نیست، حقوق بشر نیست. حقوق بشر را یک سره برای دنیای غرب و دست بسینه ایستادگانشان آفریده اند. کره شمالی نه تنهاحقوق بشر نمی فهمد، صلح هم سرش نمی شود. رهبرانش دیوانه و کله شق هستند، دنیا را با تهدیدهای توخالی به پرتگاه جنگ می کشانند. از تهدید های غیرقانونی آمریکا و مانورهای خصمانه و کارشکنی و خرابکاری های ارباب چیزی نمی گویند.

آمریکا اما رسماً اعلام کرده است که در مانورهای امسال سلاح اتمی، زیر دریایی های مسلح در آن شرکت دارند. پس چرا کره شمالی را منتهم می کنند که دنیا را به پرتگاه جنگ اتمی می کشانند؟ کره شمالی پیوسته در تلاش حل مسالمت آمیز مساله دوگانگی کشور است. اما آمریکا حاضر به گفتگو در این زمینه نیست. به مغز ساده اندیشان جهان، که ماشاءالله، هزار ماشاءالله، تعدادشان اندک نیست فرو می کنند که اگر کره شمالی و سایر سرپیچان از فرمان را درب و داغون کنند صلح و صفا می آید، دنیا امن و امان خواهد شد. از وقتی بچه بودیم همین را می شنیدیم و پس از مرگمان هم چنین خواهند گفت. رقیبان را یکی پس از دیگری برانداختند و با وجود این کسی ندید دنیایمان بهتر شده باشد، سهل است، متنسج تر و خطرناک تر هم شده است.

کره شمالی با آزمون صد ساله، بیش از همه با

سفری به کره شمالی ...

که مرکز ثقل مانورهای سیاسی و نظامی آمریکا، از اروپا به آسیا انتقال یافته است.

صد سال است که کره را دچار جنگ و تنش ساخته اند. در مرز کشور دو پاره نگاه داشته شده بیش از شصت سال است که نه صلح، بلکه آتش بس برقرار است. آتش بس هم، همانطور که به یادآوردم، یعنی سکوت موقت سلاح جنگ، اما به نوعی ادامه جنگ، دست کم تدارک برای ادامه جنگ.

کره شمالی ده ها سال است که در محاصره اقتصادی، مالی، نظامی و فنی دنیای امپریالیستی است و ما از تجربه کوبا، عراق... و ایران می دانیم که این گونه تحریم ها که امکانات زیست و خوراک و دارو و درمان و حرکت شمار فراوانی انسانهای بی گناه، زن و مرد و کوچک و بزرگ و پیر و جوان را می رباید، جنایتی نابخشودنی علیه بشریت است.

حضرات محترمی که به این جنایات دست می برند دلشان برای انسان های بی گناه نمی سوزد. اما حضراتی هستند که فریاد دفاع از حقوق بشرشان گوش همه را ناشنوا می سازد. گرگانی هستند به رخت و چوب شبانی آراسته، انسان ها را فریب می دهند.

جای شگفتی است که چگونه کره شمالی و مردم آن، هنوز روی پای خود ایستاده، مقاومت می ورزند. اکنون بازهم محاصره نظامی را گسترش داده اند. در مانور نظامی امسال تمام ساز و برگ نظامی آمریکا و کره جنوبی دست به کار بود. زیر دریایی های اتمی، هواپیماهای جنگی B-12 و B-2A که سلاح اتمی نیز حمل می کنند به کار گرفته شد. در این مانورها ژاپن، استرالیا و نیوزلاند هم شرکت کردند. بیست هزار نیروی ارتش کره جنوبی، بیست و هفت هزار نیروی نظامی آمریکا تمرین کردند که چگونه کره شمالی را به زانو در آورند و اشغال کنند.

همان گونه که در صفحات پیشین به یاد آوردم، هنگام زمامداری کیم - دائه - چونگ و رو - مو - هیوم در کره جنوبی تنش زدایی به وقوع پیوست که می توانست به حل مسالمت آمیز مساله کره و اتحاد دوباره کشور، تحت شرایطی که مورد توافق طرفین قرار گرفته بود، بیانجامد. اما رهبران بعدی کره جنوبی این توافق را زیر گذاشتند، آتش بحران را دوباره برافروختند. قرار بود که وحدت کره در سال ۲۰۱۲ تحقق یابد. کشوری واحد با دو سیستم مجزای اقتصادی تاسیس یابد که نسل های آینده سرنوشت نهایی آن را تعیین کنند. قرار بود که مرز آهنین میان دو کشور برچیده شود. نیروهای خارجی- آمریکا- سرزمین کره را ترک گویند. بدیهی است که آمریکا نمی خواست و نمی توانست به این قرارداد تن در دهد و در هیچ جای دیگر دنیا- داوطلبانه-بدان تن در نداده است. اما این قرارداد در آمریکا هوادارانی داشت و گرنه قطعاً نمی توانست مطرح گردد. گمان می رفت که کره جنوبی با بنیه اقتصادی و مالی بسیار نیرومندتر،

رویزیونیسم حاکم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پرولتاریا

این نتیجه رسید که همه این نکات پس از انجام قطعی وحدت در درون حزب قابل طرح و حل خواهند بود.

تکرار میکنیم: از خرده کاری به پرهیزیم، اختلافات فرعی، کم اهمیت و یا سلیقه ای را عمده نکنیم و آنها را کنار بگذاریم. دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و جنبش کمونیستی در کلیت آن، شرکت فعال در حزب واحد مارکسیستی - لنینیستی را می طلبد. برای حفظ تمامیت «درخت» باید درخت ها را حفظ کرد.

از این طریق ما همه کمونیست ها را که در اساس با ایدئولوژی، برنامه و فعالیت «حزب کار ایران (توفان)» توافق دارند، دعوت میکنیم به این حزب به پیوندند.

- باشد که پیام ما گوش شنوایی را به یابد
- باشد که وحدت ما ثمره ای افزون به بار آورد
- باشد که جنبش کمونیستی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم رشد و تکامل یابد

۲۱ مارس ۲۰۱۴

اول فروردین ۱۳۹۳

تشکل مارکسیستی - لنینیستی توفان و راه آینده

باید برای حفظ آن از اختلافات جنبی هر اندازه نیز مهم جلوه کنند، گذشت و حل آنها را به آینده محول ساخت. و در این جاست که گذشت مثبت، مترقی و راه گشای آینده است و نه نشانه ضعف و یا تسلیم.

چنین است تجربه و آموزش ما از گذشته و همچنین پیام ما برای همه کمونیست ها که خود را از قید اشتغال به جزئیات و فرعیات برهانند. خرده کاری را کنار بگذارند. مسائل شخصی را بر مصالح سیاسی حاکم نگردانند. این پیام هم چنین و حتی خطاب به آن احزاب و سازمانهای «چپ» است که اکثرا نه در چهارچوب مارکسیسم - لنینیسم، نه در چهارچوب ایده ای و فکری مطبق با ما، ولی به هر حال یا با ادعا و یا با اعتقاد به کمونیسم فعالیت می کنند. به همه آنان توصیه می کنیم که در این راه گام بردارند، اختلافات فرعی خود را کنار گذارند به سوی وحدت با هم گام های جدی بردارند. هر اندازه این نوع وحدت های ضروری صورت پذیرد و هر آنچه نتیجتا از تعداد تشکلات، سازمان ها و احزاب موجود کاسته شود، به همان اندازه نیز شفافیت و روشنایی بر صحنه مبارزه طبقاتی پرتو خواهد افکند.

تشکل ما در طی مذاکرات با رفقای «حزب کار ایران (توفان)» برخی از انتقادات و هم چنین تغییرات و یا تصحیحات لازم در برنامه حزب را مطرح ساخت و متفقا بر اساس نظرات بالا به

بیانیه و پیام...
اجتناب پذیر میبوند. به باور ما اختلافات آن زمان اساسی نبودند و لزوما نمی بایست به انشعاب منتج میشد. تکامل تاریخ بر پایه رشد آن تضادهایی قرار دارد که اساسی، مهم و حامل آینده و عامل تکامل اند. تکامل جامعه و طبیعت اما هر آنچه را فرعی، کم اهمیت و خرد است، از راه خود برمیکند، خورد میسازد و به دور می افکند. آن چه باقی میماند، جزء نیست، کل است، خرد نیست، کلان است. پرنده ها میمیرند اما «پرنده» زنده میماند. درخت ها پوسیده میشوند ولی «درخت» هم چنان پابرجاست. آن چه درخت را استوار در زمین نگه میدارد، نه شاخه است و نه برگ، بلکه زمین مناسب، آب کافی و هوای لازم است که ریشه درخت این عنصر اصلی را محافظت میکنند. وگرنه شاخه ها میخشکند، شکسته میشوند، برگ ها می رویند و میریزند. شاخه ها و برگ ها جنبی اند، گذرا هستند. از سوی دیگر چنانچه به جان همین شاخه ها و برگ ها به جان این «اجزاء» به افتمیم و آنها را نابود سازیم، میتوانیم درخت را نیز به خشکانیم.

در جامعه و بویژه در مبارزه طبقاتی برای حل مشکل و تضاد باید شیوه مناسب آن را نیز آموخت و به کار برد. وحدت در حزب طبقه کارگر به خاطر تامین منافع آتی و آتی طبقه کارگر آنچنان ارزش اساسی دارد که میتوان و

توفان الکترونیکی شماره ۹۴ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند

در این شماره می خوانید:

بیانیه حزب کار ایران (توفان) به مناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر،-- زنده باد اول ماه مه بشارت دهنده بهاررهای کارگران،-- اطلاعیه حزب کار ایران (توفان): هجوم وحشیانه مزدوران رژیم به زندانیان در بند اوین را قویا محکوم می کنیم،-- فراخوان بین المللی حزب کار ایران (توفان): جان فعال کارگری شاهرخ زمانی در خطر است!،-- اوج توحش و بربریت قرون وسطایی،-- اعدام ریحانه جباری را متوقف کنید،-- انتخابات افغانستان، انتخاباتی استعماری و غیرمشروع،-- کدام انقلاب اوکراین؟،-- گریباف ضد کمونیست ادامه دهنده مشی ضد کمونیستی خروشچف،-- دخالت و قیجانه درسوریه و اهمیت مبارزه با امپریالیسم،-- رضا پهلوی عامل امپریالیسم،-- بازهم سخنی درمورد ماهیت سازمان پلیسی "پیشگامان آزادی ملت ایران"

توفان الکترونیک

شماره ۹۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ مه ۲۰۱۴

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

توفان در توییتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

بیانیه و پیام

«تشکل مارکسیستی - لنینیستی توفان و راه آینده»

این تشکل که در واقع نوپا است و چند ماهی بیش از تولدش نمیگذرد، از تجمع برخی از اعضای سابق «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» و هم چنین بعضی از رفقای «سازمان راه آینده» پدید آمده است. رفقای گردآمده در این تشکل در طول چندین ده سال گذشته پس از انشعاب اولیه در «سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان» در سطوح مختلف مبارزات کمونیستی و دموکراتیک در خارج از کشور فعالانه مشارکت داشتند و در برپایی چندین کنفرانس و یا سمینار بحث و مشورت در جهت وحدت کمونیستی نقش موثر ایفاء کردند.

هم چنین برای پیوند و بوجود آوردن پلی مشترک بین نیروهای کمونیستی، به منظور آشنایی و شناخت بیشتر از همدیگر، همراه برخی دیگر از رفقا، در طرح و ایجاد گروه و سپس سایت «پیوند - در خدمت وحدت کمونیست های ایران» فعالیت داشته اند.

همکاری و مشارکت ما با بوجود آمدن «پیوند» گسترده تر شد و ما را با کمونیست های منفرد و هم چنین سازمان ها و برخی از «احزاب کمونیستی» بیشتر آشنا ساخت. اما باید اذعان کنیم که موفقیت ما در جمع آوری و پیوند تا چه رسد به وحدت کمونیست ها - علیرغم کوشش های ممکن - ناچیز بوده است. اما از سوی دیگر تجربه گرانبهایی را به دست آوردیم که اولاً وحدت جنبش کمونیستی بر پایه فعالیت های فردی، پراکنده و نامنسجم، انجام پذیر نیست. باید پرچم حزبیت را برافراشت و به سوی وحدت وسیع تر کمونیست ها حرکت کرد. ثانیاً این وحدت، وحدتی است کمونیستی، یعنی بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و دفاع از دست آوردهای آن در طول تمام دوره تاریخی که مارکس و انگلس، لنین، استالین و مائو را دربر میگیرد. بدون این زیربنای ایدئولوژیک هرگونه پیوند و یا وحدتی ضرورتاً به مجرای انشعاب و انحراف کشیده خواهد شد.

چنین بود که ما پس از گذشت نزدیک به دو سال بحث و مشورت بین خود، تصمیم گرفتیم که تشکل فوق را پایه ریزی کنیم. هدف از ایجاد این تشکل حرکت به سوی ایجاد سازمان، حزب و یا گروهی جدید نیست، برعکس برای یگانگی و استحکام بخشیدن به جنبش کمونیستی ایران است، از مجرای وحدت با رفقای سابق خود که در «حزب کار ایران (توفان)» متشکل اند.

اما چرا «حزب کار ایران (توفان)»؟ ما علیرغم احساس نزدیکی و وجود رفاقت و تا حدودی نیز همزیانی با بسیاری از کمونیست ها و یا حتی برخی سازمان های «کمونیستی»؛ با آنان در زمینه های سیاسی و ایدئولوژیک اشتراکاتی که لازمه وحدت پایدار است، نداریم. ما و رفقای «حزب کار ایران (توفان)» در سطح عام و جهانی از ریشه یک درخت تنومندیم. در اساس، جهان را با دیدگاهی یکسان و ایستاده بر یک زمینه واحد اندیشه و برداشت نظاره میکنیم.

بایسته است که بر این گسست نامیمون و طولانی نقطه اختتامی گذاشت. جدایی و دوری غیر ضروری ما در شرایط کنونی هیچگونه توضیح منطقی و توجیه مقبولی را نمی پذیرد. از سوی دیگر همکاری ما با کمونیستهای دیگر در چندین سال گذشته، سواً آشنایی و علاقه قلبی به آنان، مناسفانه آنچنان پربار نبود. اختلافات بر توافقات چیره بودند و رو به فزونی میرفتند. پیوند ایدئولوژیک ناپایدار و گسسته مینمود و دورنمای روشنی را ارائه نمیداد. ...ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the
Party of Labour of Iran

No. 170 may 2014

سفری به کره

شمالی (۶)

در دفاتر سیاسی و امنیتی آمریکا سناریوهای گوناگونی برای نابودی کره شمالی نگارش یافته. تدارکات نظامی از یک سو، تدارکات تبلیغاتی از سوی دیگر در جریان است. به مغز مردم آمریکا، اروپا و کره جنوبی و ژاپن با میخ پولادین می کوبند که رهبران کره شمالی عقل باخته، می خواهند دنیایی را که "معقولین" هدایت می کنند به پرتگاه جنگ بکشانند و ویران سازند. اندوه فراوان از آنجا که بسیاری انسانها که سودی از جنگ و کشتار و ویرانی عایدشان نیست به این دروغ ها باور دارند. به خواب غفلتشان فرو کرده اند، هنگامی که بیدار شوند خیلی دیر است. واقعیت این است که آمریکا، با دستگیری میلیتاریسم نوحاسته ژاپن و کره جنوبی در تکاپوی بلعیدن و هضم و جذب این، یکی از آخرین شیطان هاست. می... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

شماره دورنگار (فاکس) آلمان 069-96580346

Toufan آدرس
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany